

پایه آیین‌نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)



دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A.)

در رشته اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

جایگاه عقلانیت در سیره سیاسی - اجتماعی

امام حسن مجتبی علیه السلام

استاد راهنما:

دکتر عباسعلی رهبر

استاد مشاور:

دکتر علیرضا رادمهر

پژوهشگر:

داود رسته

سال تحصیلی:

زمستان ۱۳۹۱

تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب داود رسته دانشجوی کارشناسی ارشد رشته «اندیشه سیاسی اسلام» با شماره دانشجویی ۸۸۰۶۵۰۳۲۸ اعلام می نمایم که کلیه مطالب مندرج در این پایان نامه با عنوان «جایگاه عقلانیت در سیره سیاسی - اجتماعی امام حسن مجتبی علیه السلام» حاصل کار پژوهشی خود بوده و چنانچه دستاوردهای پژوهشی دیگران را مورد استفاده قرار داده باشم، طبق ضوابط و رویه های جاری، آنرا ارجاع داده و در فهرست منابع و ماخذ ذکر نموده ام. علاوه بر آن تاکید می نمایم که این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح، پایین تر یا بالاتر ارائه نشده و چنانچه در هر زمان خلاف آن ثابت شود، بدین وسیله متعهد می شوم، در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام توسط دانشگاه، بدون هیچ گونه اعتراض آنرا بپذیرم

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای داود رسته از پایان نامه خود دفاع نمود و با نمره

بحروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.٪

دکتر عباسعلی رهبر

امضاء استاد راهنما

تقدیم

به سفیران و پیام آوران الهی از آدم تا خاتم پیامبران
و سلف صالح و برگزیده خداوند، حضرت
امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام و حضرت
فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن مجتبی
سبط اکبر و امام حسین علیهم السلام، خصوصا
تقدیم به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه
الشریف و همه رهپویان آنان

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خداوند باری تعالی را که به لطف خویش ما را از عدم به هستی آورد و شکر و سپاس ذات بیکران خدایی را سزااست که ذکرش آرام بخش دلهاست و از لطف بیکران و رحمت بی پایان خویش به این بنده توجهی نمود تا توفیق تحقیق و تدبر در سیره سیاسی و اجتماعی امام حسن مجتبی علیه السلام را برایم مهیا ساخت.

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بر خویش فرض می دانم که از همه بزرگوارانی که در طول دوران تحصیل بنده را در راه کسب معارف الهی و انسانی یاری نمودند، سپاسگزاری نمایم، خصوصا از استاد عزیزم جناب آقای دکتر عباسعلی رهبر که با راهنمایی های سودمند و ارزنده خویش موجبات به ثمر نشستن این رساله را فراهم نمودند و همچنین از استاد ارجمند جناب آقای علیرضا رادمهر به عنوان مشاور قدردانی و تشکر می نمایم.

همچنین از همسر مهربان و فداکارم و فرزندانم که در طول مدت تحصیل که با صبوری مرا در طول تحصیل همراهی نمودند، تشکر نمایم.

چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، روش های اجرا، اهداف و نتایج بدست آمده)

جایگاه و منزلت عقلانیت در زندگی اندیشمندان جهان، خصوصا در حیات اجتماعی سیاسی انبیا و امامان معصوم به عنوان انسان های کامل که منصوب از طرف خداوند هستند، حاکی از عمق معرفت آنان در حوزه هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی می باشد، لذا در قرآن و کلام اولیای الهی انجام امور بر مبنای عقلانیت مورد توجه قرار گرفته است.

از این رو پیامبران و امامان با برخوردار بودن از علم الهی و عصمت توانستند در مسیر هدایت بشریت گام های موثر را طی نمایند. از جمله ایشان امام حسن مجتبی علیه السلام با بکارگیری از عنصر تدبیر و عقلانیت در زمانی که مذهب علیه مذهب در زندگی ایشان ظهور و بروز پیدا کرده بود، توانست با تبیین مسائل اصیل اسلام و اتخاذ روش هایی عقلانی در فراز و فرودهای گوناگون حیات سیاسی - اجتماعی نسبت به حفظ و بقای دین اقدامات مهم و ضروری را انجام دهد و سرانجام با استراتژی الهی واحد با بکارگیری تاکتیک های مناسب، اندیشه ای ماندگار را در تاریخ برای سعادت بشر به یادگار بگذارد.

کلمات کلیدی: معرفت شناسی، عقلانیت، صلح، امامت.

فهرست

فصل اول کلیات ۱

۱-۱ مقدمه ۲

۲-۱ بیان مسئله ۷

۳-۱ هدف تحقیق ۸

۴-۱ اهمیت و ضرورت ۹

۵-۱ پیشینه تحقیق ۹

۶-۱ سوال اصلی ۱۲

۷-۱ سوال فرعی ۱۲

۸-۱ فرضیه ۱۲

۹-۱ متغیرها ۱۲

۱۰-۱ مفاهیم و کلید واژه ۱۲

۱۱-۱ روش تحقیق ۱۶

۱۲-۱ روش گردآوری اطلاعات ۱۶

۱۳-۱ سازماندهی تحقیق ۱۶

فصل دوم چارچوب نظری ۱۸

۱-۲ معانی لغوی عقل ۲۱

۱-۱-۲ مؤیداتی بر معنای لغوی عقل ۲۲

۲-۱-۲ اوصاف دیگر عقل ۲۵

۲-۲ عقل در اصطلاح ۲۹

۳-۲ انواع عقل ۳۱

۴-۲ عقل در قرآن ۳۲

۵-۲ عقل در حدیث ۳۴

۱-۵-۲ دیدگاه اشاعره ۴۱

۲-۵-۲ دیدگاه معتزله ۴۳

۴۵-۲-۵-۳ عقل نزد متکلمان و فلاسفه ۴۵

۴۶-۲-۵-۴ جایگاه عقل در عرفان اسلامی ۴۶

۴۷-۲-۵-۵ نگاه اصولیون به عقل ۴۷

۵۰ **فصل سوم امامت در اندیشه شیعی**

۵۱-۳-۱ مؤلفه‌های حقیقت امامت ۵۱

۵۲-۳-۲ اهمیت مقام امامت در مکتب امامیه ۵۲

۵۲-۳-۱ امامت ، یکی از اصول دین ۵۲

۵۳-۳-۲ امامت ، یک منصب الهی و فراتر از گزینش ۵۳

۵۳-۳-۲ امامت ، آخرین مرحله سیر تکاملی انسان ۵۳

۵۴-۳-۲ امامت ، یگانه راه خدا ۵۴

۵۵-۳-۲ شناخت امام ، اساس خداشناسی ۵۵

۵۵-۳-۲ امام ، واسطه فیض ۵۵

۵۵-۳-۲ جهان هستی ، وابسته به وجود امام ۵۵

۵۵-۳-۲ امام ، قطب امت ۵۵

۵۷-۳-۲ اطاعت امام ، در ردیف اطاعت خدا و پیامبر (ص) ۵۷

۵۷-۳-۲ تجلی توحید در نظام امامت ۵۷

۵۸-۳-۲ وجود امام ، عامل بقای اسلام ۵۸

۵۸-۳-۲ امامت ، نظام امت ۵۸

۵۹-۳-۲ عدم شناخت امام ، موجب گمراهی ۵۹

۵۹-۳-۲ امام ، تنها عامل ولایت و تربیت معنوی ۵۹

۵۹-۳-۳ امامت - حفظ دین ۵۹

۶۰-۳-۴ شأن و جایگاه امامت در تاریخ اسلام ۶۰

۶۲ **فصل چهارم زمینه و زمانه دوران حیات سیاسی - اجتماعی امام حسن علیه السلام**

۶۳-۴-۱ زندگینامه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام ۶۳

۶۴-۴-۲ اقدامات عقلانی امام حسن (ع) در دوران پیش از خلافت امیرالمومنین(ع) ۶۴

۶۵-۴-۳ تدابیر عقلی امام حسن (ع) در دوران خلافت امام علی (ع) ۶۵

- ۶۶..... ۱-۳-۴ نماینده امام علی علیه السلام به سوی عثمان.....
- ۶۷..... ۲-۳-۴ پاسخ های فقهی - سیاسی به پرسش های مردم.....
- ۶۹..... ۳-۳-۴ بسیج عمومی مردم کوفه.....
- ۷۰..... ۴-۳-۴ عهده داری امامت جمعه.....
- ۷۱..... ۵-۳-۴ دستیاری امیرمؤمنان علیه السلام در قضاوت.....
- ۷۳..... ۶-۳-۴ فرماندهی گروه ده هزارنفری.....
- ۷۴..... ۷-۳-۴ سرپرستی موقوفات و صدقات.....
- ۷۵..... ۸-۳-۴ ایراد سخن به دستور امام علی (ع).....
- ۷۶..... ۴-۴ زمینه های پیش از دوران خلافت امام حسن (ع).....
- ۷۶..... ۱-۴-۴ زمینه سیاسی.....
- ۷۹..... ۲-۴-۴ زمینه فرهنگی - اجتماعی.....
- ۷۹..... ۳-۴-۴ زمینه های اقتصادی.....
- ۸۱..... **فصل پنجم شاخص های عقلانیت در سیره سیاسی - اجتماعی امام حسن علیه السلام**
- ۸۲..... ۱-۵ زمینه و فضای سیاسی حاکم در دوران خلافت امام.....
- ۸۴..... ۱-۱-۵ حاکم سیاسی مستبد.....
- ۸۴..... ۲-۱-۵ نظام پلیسی سرکوبگر.....
- ۸۵..... ۳-۱-۵ عدم آزادی های مشروع.....
- ۸۶..... ۴-۱-۵ دستگاه تبلیغی ایدئولوژی ساز مشروعیت بخش کاذب.....
- ۸۶..... ۵-۱-۵ ارجحیت منافع فردی و گروهی.....
- ۸۷..... ۶-۱-۵ ایجاد تفرقه و اختلافات نامحسوس میان اقشار اجتماعی.....
- ۸۸..... ۷-۱-۵ ارجحیت وفاداری سیاسی بر شایستگی سیاسی بین کارگزاران سیاسی.....
- ۸۸..... ۸-۱-۵ عدم وجود گروه های مشورتی راهبردی.....
- ۸۹..... ۲-۵ اقدامات عقلانی امام در دوران امامت خودشان.....
- ۹۱..... ۳-۵ مکاتبات امام با معاویه.....
- ۹۲..... ۴-۵ معاویه و درخواست صلح.....
- ۱۰۹..... ۵-۵ موقعیت سیاسی.....

- ۱-۵-۵ عزم و مهیا شدن برای جنگ ۱۱۲
- ۲-۵-۵ پذیرش صلح و آتش بس ۱۱۹
- ۳-۵-۵ اقدامات حکیمانه امام حسن (ع) پس از پذیرش صلح ۱۲۸
- ۴-۵-۵ جمع بندی ۱۲۹
- ۵-۵-۵ فهرست منابع ۱۳۴

فصل اول کلیات

۱-۱ مقدمه

در طول تاریخ همواره یکی از موضوعات و دغدغه‌هایی که مورد توجه انسان‌های حقیقت‌جو قرار گرفته است بهره بردن از عنصر "عقل" و "عقلانیت سیاسی" در زندگی فردی و اجتماعی بوده است به همین منظور در این پژوهش شاخص‌های عقلانیت در سیره زندگی سیاسی اجتماعی یکی از انسانهای بزرگ تاریخ در حد توان و بضاعت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

امام حسن علیه السلام در زمانی از نظر تاریخی در دوران حیات زندگی امام علی علیه السلام به عنوان یکی از افسران نامدار و شجاع در جبهه‌های نبرد و همچنین مشاوری امین در کنار ایشان بسر برده است از آنجا که در هر عصر و دوره‌ای تصمیم‌ها بر اساس "مقتضیات زمان و مکان" و بر مبنای عقلانیت صورت می‌گیرد لذا به طور ویژه در این نوشتار امام حسن علیه السلام در سال چهارم هجری، بعد از شهادت پدر بزرگوارشان ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی را عهده دار می‌شود، در این فرآیند زمانی ایشان با پدیده‌هایی به نام فرصت‌ها، آسیب‌ها و تهدیدات به خصوص در عرصه داخلی در بلاد اسلامی مواجه می‌شود. امام به عنوان حاکم و خلیفه مسلمانان با داشتن علم و بصیرت کامل و برخورداری از عقلانیت سیاسی برای حفظ و گسترش جامعه دینی در تمامی عرصه‌ها اقدام به عاقلانه‌ترین تصمیم‌ها از میان شاخص‌های مختلف از جمله جنگ و جهاد

با معاندین و مخالفین، سکوت در برابر توطئه های گوناگون، برگزاری جلسات آموزشی برای مردم، هجرت از شهر کوفه، اقدام به بهترین تصمیم برای حفظ مولفه های مذکور که همان صلح باشد عمل نمودند، در حقیقت ایشان با بهترین تاکتیک، استراتژی واحد الهی خویش را که حفظ دین بود عملیاتی کرد.

در موضوع مورد بررسی، دو مفهوم اساسی وجود دارد که ریشه یابی و فهم آنها در ایضاح موضوع کمک خواهد کرد، نخست مفهوم "عقلانیت" و سپس مفهوم "سیاست". در ابتدا ضروری است که مشخص شود تا منظور از عقلانیت و سیاست چیست. در بحث از عقلانیت باید در نظر داشته باشیم مفهوم عقلانیت در ارتباط مستقیم با مبانی جهان شناختی و هستی شناختی است. مفهوم عقلانیت غربی بر مبنای جهان شناسی دوگانه شکل گرفته است. در یونان باستان همواره دو عنصر لوگوس^۱ (عقل) و میتوس^۲ (اسطوره) از هم دیگر جدا در نظر گرفته می شدند.

در دوران شکوفایی فلسفی یونان، ارسطو مباحث خود را در دوسطح فیزیک و متافیزیک مطرح کرد. در دوران قرون وسطی نیز متالهاین مسیحی که تحت تاثیر سنت اسکولاستیک^۳ بودند، همین جهان شناسی دوگانه را پذیرفتند و بر مبنای آن عوالم وجود را به دو ساحت عالم لاهوتی (ملکوتی) و عالم ناسوتی (ملکی) یا همان عالم بالا و پایین تقسیم کردند.

^۱ Logos

^۲ Mythos

^۳ Scholastic

به زعم متألّهی مانند اگوستین قدیس ما با دو عالم مواجهیم، شهر خدا و شهر زمینی. شهر خدا جایگاه ایمان و خداوند و شهر زمینی جایگاه عقلانیت و بشریت است. انسان با هبوط خود به جهت گناه نخستین (Original sin) به عالم ظلمت تبعید شده است و از عالم نور جدا و مفارق شده است.

به نظر می رسد در تمدن غربی "دوآلیسم" و دوگانگی عقل و ایمان مفروض و مسلم است. این دوگانگی در وجوه مختلف فلسفه غربی دیده می شود، به عنوان مثال دکارت به عنوان یکی از بزرگترین اندشمندان غربی که در مورد مفهوم عقل به تامل پرداخته است، دو ساحت ایمان و اندیشه یا ابژه و سوژه را از هم جدا می کند، در واقع عقل و جهان خارج دو جوهر مفارق از هم هستند. حتی در میان متأخرین نیز افرادی نظیر ویتگنشتاین بر مبنای تحلیل زبان شناختی معتقد است بحث از صدق و کذب و معنی داری گزاره ها تنها در جایی ممکن است که بتوان در مورد آن سخن گفت. در واقع حقیقت در جایی خارج از زبان نیست بنابراین ایمان و احکام ایمانی دارای منطقی جدای از منطق عقلی هستند، ما نمی توانیم در مورد صدق و کذب ایمان سخن بگوییم. مشخص است که در نظر ویتگنشتاین هم ایمان به حوزه ای جدای از عقلانیت تعلق دارد. این جدایی عقل و ایمان چنانکه گفته شد مبتنی بر همان جهان شناسی دوگانه است که به لحاظ هستی شناسی نافی ارتباط عقل و ایمان است. این نوع از اندیشه طبیعتاً به آنچه امروزه سکولاریسم نامیده می شود منتهی می شود، یعنی در موضوع مورد بررسی ما از منظر غربی سیاست متعلق به

حوزه عقلانیت یا عالم پایین است و از حوزه ایمانی و عالم بالا جدا افتاده است. اما بر مبنای جهان شناسی اسلامی عوالم وجود به طور کلی دارای تقسیم بندی سه گانه است. نخست عالم لاهوتی یا عالم بالا که عالم وحدت و تجرد محض است و آدمی را به آن دسترسی نیست، سپس عالم ناسوتی یا پایین یا ملکی که عالم کثرت و عالم ماده و حدود است. در جهان شناسی اسلامی میان این دو عالم، عالمی واسطه ای وجود دارد که با نام های عالم ملکوت، عالم مثال، عالم ذر، اقلیم هشتم یا ثامن، عالم هور قلیا، جابلقا و جابلسا یا در ادبیات دینی با عنوان عالم برزخ شناخته می شود.

اگر عالم بالا، عالم تجرد محض از ماده است و عالم پایین، عالم کثرت و حدود مادی است، عالم ملکوت عالمی است که در آنجا به زعم سهروردی، اجسام تروح یابند و ارواح تجسّد یابند. بنابراین موجودات در این عالم جسم لطیف هستند که دارای صورت اند لیکن فاقد ماده می باشند. حکمای الهی این موجودات را "صور مثالیه" می نامند و بنابراین عالم برزخی عالم واسطه میان عالم بالا و عالم پایین است. انسان به عنوان موجودی که از هر دو ساحت جسم و روح برخوردار است، قابلیت درک هر دو عالم ملکی و ملکوتی را دارد. انسان در شرایط طبیعی تنها از طریق مرگ و پس از مرگ است که می تواند عالم برزخ را درک کند اما حکمای الهی بر این اعتقاد هستند که با مرگ اختیاری که در واقع از طریق تجرد روح و تضعیف بعد مادی انسان محقق می شود از امکان ادراک عالم مثال برخوردار

می‌گردند و این کلام معصوم علیه السلام که «موتو قبل ان تموتوا» نیز بیانگر و تبیین کننده همین مطلب است.

آنچه دارای اهمیت است این است که عالم مثال یا برزخ، جدایی عالم لاهوتی و ناسوتی را از بین می‌برد، بنابراین عقلانیت به لحاظ هستی‌شناختی اساساً نمی‌تواند مفارق از ایمان باشد. این بدان معناست که عقلانیت برخلاف نظر فلاسفه غربی یک جوهر مستقل از ایمان نیست، یعنی عقلانیت دارای حقیقتی تشکیکی و ذومراتب است که از عقل جزئی و معاش گرفته تا عقل کامل امتداد دارد. به همین منظور انسان از این قابلیت برخوردار است که با استکمال عقل و نفس خود به مراتب بالای عقلانیت برسد. بنابراین عقل با استعلای خود می‌تواند حقیقت ایمان را درک کند. به زعم میرداماد، نبی از بالاترین مرتبه عقل برخوردار است. این گونه وحدت میان عقل و ایمان، بر مبنای جهان‌شناسی سه‌گانه، طبیعتاً هرگونه باور به سکولاریسم را از بین خواهد برد.

بنابراین وقتی از عقل سخن به میان می‌آید، تنها عقلانیت جزئی معاش‌اندیش که صرفاً متوجه عالم محسوسات باشد مورد نظر نیست.

مفهوم مورد نظر دیگر «سیاست» است. ریشه لغوی سیاست نزد عرب به معنی تربیت اسب بوده است و به لحاظ ادبی هرگونه تربیت و هدایت کردن را سیاست نامیده‌اند. بنابراین سیاست مورد نظر - باتوجه به آنچه از عقل مراد شد - دارای معنی صرفاً عرفی نظیر آنچه در غرب دیده می‌شود نیست، بلکه دارای وجه هدایت و رهبری الهی است.

معنی حقیقی سیاست را می توان در کلام امیرالمومنین علیه السلام یافت که می فرماید: «من ساس نفسه ادرك السياسة». کسی که نفس خود را تربیت کند، معنای سیاست را درک و فهمیده است. مشخص است که در این حدیث سیاست نفس مقدم بر سیاست اجتماع است و مبنای معارف اهل بیت علیهم السلام سیاست نفس، تربیت آن بر مبنای اصول الهی است. بدین ترتیب اگر سیاست را در این معنا در نظر بگیریم و از سیاست نفس به سیاست اجتماع برسیم، سیاست اجتماع هم تربیت و هدایت اجتماع در مسیر کمال به سوی حق و حقیقت است که البته سیاست مستلزم برخورداری از تدبیر، دوراندیشی، اتخاذ تصمیم صحیح و اعمال قدرت است.

در معارف شیعی اصلی ترین مرجع حق و حقیقت ولی خدا و انسان کامل است که خلیفه خدا بر روی زمین است و دلیل آن بهره مندی از عقل کامل و عصمت الهی است. بدیهی است که هدایت و رهبری خلق به سوی حق توسط انسان کامل که همان سیاست است، نیازمند برخورداری از همان عقل کامل است که در اینجا می توان از ارتباط عقلانیت و سیاست در سیره معصوم علیه السلام و به طور خاص امام حسن مجتبی علیه السلام پی برد.

۲-۱ بیان مسئله

یکی از راهکارهای منطقی در حوزه حیات بشری استفاده از نظرات و تجربه های انسان های تاثیر گذار در طول تاریخ بوده است لذا یکی از مهمترین مقاطع تجربیات بشری، دوره های زمانی است که پیامبران و پیشوایان دینی بر مسند نبوت، حکومت یا ولایت عامه مردم

قرار داشتند. از میان این دوران تاریخی از دیدگاه مسلمانان خاصه پیروان مکتب امامیه، دوره نبوت پیامبر خاتم و اوصیای گران قدر ایشان درخشان ترین و موثرترین دوره معرفت بشر بوده است.

از منظر دیگر در بیان معارف الهی، بحث ولایت و حکومت و عقلانیت سیاسی از جایگاه مهم و ویژه ای برخوردار است. این موضوع حساس در سیره معصومین مورد توجه در حوزه نظر و عمل برای انسانهای طالب حقیقت و پیروان مکتب اهل بیت بوده است لذا با توجه به این مفهوم ما در این تحقیق در صدد هستیم با بکارگیری و بهره وری از تصمیم ها و تجربیات ارزشمند پیشوایان معصوم بالاخص امام حسن مجتبی علیه السلام نسبت به تبیین جایگاه و منزلت عقلانیت در سیره اجتماعی و سیاسی ایشان کاوش و بررسی نموده و از این رهگذر در عرصه سیاسی در حوزه داخلی و خارجی اقدام به مناسب ترین فعل و عملی که حفظ و صیانت مسلمانان و گسترش مبانی و ارزش های دینی را در پی داشته باشد بنماییم.

۳-۱ هدف تحقیق

- شناخت و فهم وجه عقلانی تصمیم گیری های امام حسن علیه السلام
- درک نحوه مواجهه امام حسن علیه السلام با شرایط خاص دوران خود
- الگوبرداری از سیره امام مجتبی علیه السلام

۴-۱ اهمیت و ضرورت

در بستر و چشم انداز معرفت دینی یکی از ابعاد هدایت مبتنی بر حجت های ظاهری انبیاء و اولیاء می باشد، لذا همواره شناخت عقل و گفتار هادیان دین از جایگاه مهم و با اهمیتی برخوردار می باشد. از جمله هدایتگران الهی، امام حسن مجتبی علیه السلام که صلح با معاویه (حاکم جور) یکی از مهمترین افعال و تصمیم های دوران امامت ایشان بوده است. بر همین اساس، شناخت و فهم فعل امام از دریچه عقلانیت به ما نشان می دهد که چگونه امام معصوم در انتخاب یک فعل از سایر افعال (اعم از نظری، عملی، فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمان حال و آینده) را لحاظ کرده است.

با شناخت این مسئله علاوه بر اینکه شرایط و زمینه هایی که باعث شده است امام معصوم به نحو خاصی عمل نماید، احاطه ایشان بر جمیع مسائل فهمیده می شود و همچنین در شرایط فعلی در زمان حاضر نیز می توان با همسان سازی زمینه ها، بهترین تصمیم ها در زمان مقتضی برای حفظ دین و صیانت از مسلمین و جلوگیری از تکرار در تاریخ برای انقلاب اسلامی ایران مورد بهره برداری قرار داد.

۵-۱ پیشینه تحقیق

پیشینه موضوع مورد تحقیق از دیدگاه مورخان و دانشمندان زیادی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است از جمله کتبی که در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته به شرح ذیل می باشد: